

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهم

www.afgazad.com

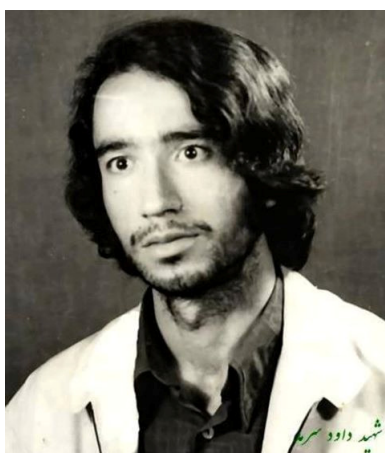
afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

فرستنده: ش. حمید

هژدهم دسمبر ۲۰۱۳



زنده جاويد، داوود سرمد

اشعار برگزیده زنده یاد "داوود سرمد"

(هشتاد)

این دشتِ غولپرو

شورِ تپیدنم را، صد عالمی ندارد
از دیده ام نریزد، یک قطره اشکِ خونین
فریادِ خامشِ ما، گوشِ نمیخراشد
آه شراره خیزم در سینه المناک
با لاله های خوندل، همدرد و همزبانیم
قلبم ز خوابِ راحت، بهره نمی ندارد
چشم کبابِ پخته، هرگز نمی ندارد
آهنگِ ناله ما، زیر و بمی ندارد
از برقِ خانمانسوز، دست کمی ندارد
چون زخمِ سینه ما، کس مرهمی ندارد

خاراشق است از بس، ناخون همّت ما
چون از خطر نترسیم، هرگز نمیگزینیم
ظلمت پسند پیچد، در پرده سیاهی
در کوچه های غربت، صد بینوا بجان است
از انفجار عصیان کاخ سکوت نشکست
برگ گیاه افسوس، در مزرع دل ما
از حيله های صیاد، صد دام گشته پنهان
در دامن بیابان، بیهوده جستنت چیست؟
صد کوهکن به پیشش، جانی، دمی ندارد
راهی که در مسیرش پیچ و خمی ندارد
یعنی ز مرگ خورشید، شب ماتمی ندارد
پیداست شهر امساک، ایچ حاتمی ندارد
گوئی که جوف تهادب، مخفی بمی ندارد
جز زهر تلخکامی، دیگر سمی ندارد
آهوی این بیابان، بیجا رمی ندارد
چون دشت غولپرور، ایچ آدمی ندارد

در بزم خلوت دل، جز جام نشئه حاصل

عمری ست "سرمد" ما ایچ همدمی ندارد

